



انتخابات ریاست جمهوری: بایسته‌های رقابت انتخاباتی از منظر امنیت ملی

دکتر علیرضا رحیمی *

اشاره:

با توجه به شرایط داخلی و بین‌المللی، دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات سرنوشت‌سازی برای نظام جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود. آرایش نیروهای سیاسی پیرامون این انتخابات به‌گونه‌ای در حال شکل‌گیری است که احتمال ایجاد فضای قطبی‌شده وجود دارد. نوشتار پیش‌رو در صدد است تا ضمن ارائه چشم‌اندازی از آرایش نیروهای سیاسی، بایسته‌های راهبردی رقابت انتخاباتی (باتوجه به شرایط سیاسی کنونی و با لحاظ سوابق تاریخی در این زمینه) را شناسایی و ضرورت‌های رفتاری مشارکت‌کنندگان (نامزدها، نیروهای سیاسی، نهادهای مرتبط با انتخابات و انتخاب‌کنندگان) برای گذر از تهدیدهای برخاسته از فضای قطبی‌شده (قطبی‌شدگی منفی) را بررسی کند.

مقدمه

اگر از زاویه امنیت ملی مسئله انتخابات را مورد توجه قرار دهیم، با نکته‌ها و دقایق فراوانی روبرو خواهیم بود که ظرافت طرح‌ریزی و تدوین برنامه‌های امنیتی و ضرورت همه‌جانبه و همه‌نگر بودن این برنامه‌ها را به ما گوشزد می‌کنند. برای آنکه یک سازوکار انتخاباتی بتواند خواسته‌های امنیت ملی را برآورده سازد، نیازمند آن است که از ویژگی‌ها و شرایط بسیاری برخوردار باشد. اگر مشروعیت، انسجام اجتماعی و ارتقای ظرفیت سیاسی مهم‌ترین اهداف نرم‌افزاری امنیت ملی باشند، آنگاه سازوکار

انتخاباتی باید به نحوی سازمان پیدا کند که در جهت برآوردن این اهداف میل کند. سازوکار انتخاباتی تنها در صورتی در این جهت حرکت می‌کند که توانایی انجام کارویژه‌های ذاتی خود یعنی ایجاد امکان گردش نخبگان به شیوه مسالمت‌آمیز و آرام، گزینش نخبگان شایسته و سازگاری با تغییرات محیطی (داخلی و خارجی) را داشته باشد. در ایجاد این امکان مؤلفه‌های پرشماری همانند نوع نظام انتخاباتی، قدرت نهادهای مدنی، وضعیت شکاف‌های اجتماعی، توانایی‌های اقتصادی-تکنولوژیک، شرایط استقلال سیاسی و غیره، دخالت دارند. بنابراین برنامه‌های امنیت ملی در خصوص انتخابات باید تمامی این کارویژه‌ها و مؤلفه‌ها و شرایط مساعد و بهینه آنها را در نظر داشته باشند.

برنامه‌های امنیت ملی در خلأ تحقق نمی‌یابند و فارغ از سیاست‌های مرتبط با چگونگی ارتباط و تأثیرگذاری آنها بر جامعه و بازیگران سیاسی و اجتماعی (که باید آن را به متخصصان این



عرصه واگذار کرد)، نیازمند همراهی مخاطبان سیاسی و اجتماعی درگیر در انتخابات هستند. از این روست که مسئولیت‌های بازیگران عرصه انتخابات برای حفظ ثبات، آرامش و کارآیی سازوکار انتخاباتی اهمیت درخور می‌یابد. این بازیگران رئوس چهار ضلعی انتخابات یعنی نامزدهای رقیب، احزاب و گروه‌های سیاسی، نهادهای نقش‌آفرین در انتخابات و اقصای اجتماعی مشارکت‌کننده را دربرمی‌گیرد. لذا در اینجا تلاش شده است که با توجه به ملاحظات مطرح‌شده درباره ارتباط فرایند انتخاباتی با امنیت ملی و ضرورت‌های آن، بایسته‌های راهبردی مورد انتظار از این بازیگران شناسایی شوند. آرایش نیروهای سیاسی که به سمت ایجاد فضای قطبی‌شده میل می‌کنند، ضرورت‌های این موضوع را بیش از پیش آشکار نموده‌اند.

آرایش نیروهای سیاسی

اسامی نامزدهای مورد صلاحیت قرار گرفته برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری (مصطفی میرسلیم، اسحاق جهانگیری، حسن روحانی، ابراهیم رئیسی، محمدباقر قالیباف، مصطفی هاشمی‌طبا) نشانگر آن است که رقابت‌های انتخاباتی سال ۱۳۹۶ مطابق روال دو دهه گذشته بر پایه رقابت دو جناح اصول‌گرا و اصلاح‌طلب، سامان یافته است. البته با این تفاوت بنیادی که این‌بار جریان اعتدالی که مشتمل بر نیروهای میانه‌رو سیاسی است، مرکز ثقل رقابت با جریان اصول‌گرا را به‌خود اختصاص داده و جریان اصلاح‌طلب را (که بنا به شرایط سیاسی از حضور مستقل در انتخابات اجتناب کرده) به عنوان حامی و پشتیبان در پشت سر خود دارد. تفاوت مهم دیگر این دوره با دوره‌های قبل ظهور تشکل تازه تأسیس جبهه مردمی نیروهای انقلاب (جمنا) به عنوان محور اصلی فعالیت‌های انتخاباتی جناح اصولگراست که به جد پی‌گیری وحدت جریان اصول‌گرا بر سر کاندیدای واحد است. با وجود این پتانسیل و اگرایی در میان نیروهای سیاسی متعلق به این جناح وجود دارد و تحرکات واگرایانه همچنان در بین این نیروها به چشم می‌خورد. ضمن آنکه جبهه مردمی نیروهای انقلاب نیز هنوز به جمع‌بندی نهایی درخصوص نامزد مورد حمایت خود نرسیده است. در مقایسه با چند دوره گذشته به نظر می‌رسد در این دوره اراده بیشتری نسبت به دوره‌های قبل برای اجماع بر یک نامزد واحد میان جریان‌های

اصول‌گرا وجود دارد و این جناح توانسته است تا حدودی به نامزد مورد اجماع جریان‌های گوناگون خود نزدیک شود. بنابراین با توجه به تحولاتی که تا کنون رخ داده است می‌توان به این نتیجه‌گیری (به عنوان محتمل‌ترین گمانه) رسید که رقابت میان کاندیدای مورد حمایت جمنا و کاندیدای مورد نظر دولت کنونی، رقابت اصلی در جریان انتخابات پیش‌روی ریاست جمهوری را شکل خواهد داد. با این همه واگرایی حاصل از عدم اجماع جناح اصول‌گرا بر نامزد واحد می‌تواند به شکل‌گیری قطب سوم این رقابت‌ها بیانجامد، به‌ویژه اگر شرایط انتخاباتی به نحوی رقم بخورد که دو نامزد اصلی جمنا و جناح اصول‌گرا (ابراهیم رئیسی و محمدباقر قالیباف)، از کناره‌گیری به نفع یکدیگر اجتناب کنند.

پس از فعل و انفعالات فراوان، جبهه مردمی نیروهای انقلاب در آخرین کنش انتخاباتی خود نام پنج نامزد را بر اساس رأی‌گیری داخلی از اعضا، مطرح کرد (ابراهیم رئیسی، علیرضا زاکانی، مهرداد بذریاش، محمدباقر قالیباف و پرویز فتاح) که نامزد واحد جناح اصول‌گرا باید از میان پنج نفر برگزیده شود. البته پرویز فتاح همان‌گونه که پیش‌تر نیز اعلام کرده بود تمایلی برای شرکت در انتخابات نداشت و ثبت نام نیز نکرد و مهرداد بذریاش نیز در آخرین ساعات ثبت نام از کاندیداتوری انصراف داد؛ صلاحیت علیرضا زاکانی برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری نیز مورد تأیید شورای نگهبان قرار نگرفت. بنابراین این جمع پنج نفره به دو نفر کاهش

ورزیده و همین امر انتقادهایی را از سوی برخی نامزدهای شرکت جسته در فرایند انتخابات داخلی جمنا به همراه داشته است). اما امکان دیگر برای واگرایی در جناح اصول گرا، عدم تمکین نامزدهای نهایی اعلامی در فهرست پنج نفره جمنا (دو نفره بالفعل) به تصمیم نهایی این جمعیت است. کاندیداتوری محمداقبر قالیباف (که تا پیش از این تصمیم قطعی خود برای حضور در انتخابات را اعلام نکرده بود) می تواند در جهت شکاف در جناح اصول گرا بر سر دو کاندیدای اصلی (رئیس و قالیباف) سیر کند. با این تفاسیر وحدت جناح اصول گرا در انتخابات ریاست جمهوری وابسته به ۴ شرط زیر است:

۱. پذیرش نامزد نهایی جمنا توسط تمامی گروه های سیاسی اصول گرا که سازوکار این جمعیت را پذیرفته اند. به ویژه اگر ابراهیم رئیسی که حضور خود را مستقل از جمنا و سایر گروه های سیاسی اعلام کرده به عنوان نامزد نهایی این جمعیت معرفی شود (گمانه هایی که بر کاندیداتوری نهایی ابراهیم رئیسی از سوی جمنا با وعده اعطای پست معاون اولی به محمداقبر قالیباف در صورت پیروزی اصول گرایان در انتخابات تأکید دارند این گمانه را تقویت می کنند)؛

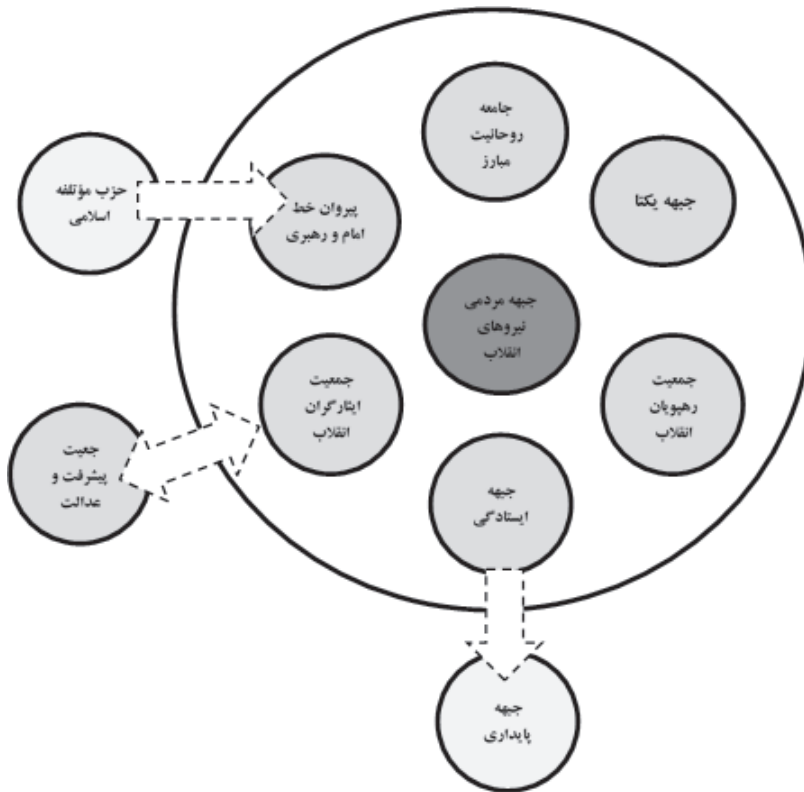
۲. کناره گیری ابراهیم رئیسی به نفع کاندیدای نهایی جمنا در صورتی که این نامزد نهایی فردی غیر از خود او (محمد باقر قالیباف) باشد (گمانه هایی که حضور ابراهیم رئیسی در انتخابات را با هدف مطرح شدن بیشتر برای کسب سایر مسئولیت ها تلقی می کنند، این گزینه را تقویت می نمایند)؛

۳. یکسان بودن نامزد نهایی جمنا با نامزد مورد نظر جبهه پایداری؛
۴. اقناع حزب مؤتلفه اسلامی توسط سایر جریان های اصول گرا برای عدم حضور مستقل در انتخابات.

عدم احراز صلاحیت رئیس دولت های نهم و دهم و جریان وابسته به وی توسط شورای نگهبان، از دشواری حضور یکپارچه جناح اصول گرا در انتخابات آتی ریاست جمهوری کاسته است، اگرچه این جناح برای حضور یکپارچه در انتخابات به گام های مهم دیگری نیاز دارد. به هر روی، آرایش کنونی جناح اصول گرا (با توجه به فهرست تأیید صلاحیت شدگان) به صورت زیر قابل تصویر سازی است:

پیدا کرد. انتظار این جبهه و جریان های حامی آن این است که نامزد منتخب آنها مورد پشتیبانی تمام جریان ها و احزاب اصول گرا قرار گیرد تا این جناح بتواند برخلاف چند دوره گذشته با تمام توان در رقابت انتخاباتی شرکت کند. با وجود این برخی احزاب و شخصیت های متعلق و یا منتسب به این جناح تمکین لازم را نسبت به تصمیم های جمنا از خود نشان نداده اند. حزب مؤتلفه اسلامی (از اعضای جبهه پیروان خط امام و رهبری) که از پیش نامزد خود برای انتخابات ریاست جمهوری (مصطفی میرسلیم) را مطرح کرده بود، با توجه به تأیید صلاحیت نامزد این حزب، همچنان بر حضور این نامزد در جریان رقابت های انتخاباتی اصرار دارد. جبهه پایداری نیز اعلام کرده است که بر پایه قواعد اصولی خود که فارغ از فرایندهای رقابتی و مصالح سیاسی است، تنها از نامزدی که آن را اصلح تشخیص دهد، پشتیبانی خواهد کرد. بنابراین اگر جمنا و غالب جناح اصول گرا از نامزد مورد نظر این جبهه (ابراهیم رئیسی) حمایت کنند، آنگاه امکان وحدت جبهه پایداری با جمنا و سایر جریان های اصول گرا وجود خواهد داشت و در غیر این صورت این جبهه به صورت مستقل در انتخابات شرکت خواهد کرد. البته با توجه به حضور نامزد مورد نظر پایداری ها در صدر فهرست پنج نامزد نهایی جمنا (ابراهیم رئیسی)، وحدت آنها غیر محتمل نیست (گرچه ابراهیم رئیسی در بیانیه اعلام حضور خود در رقابت های انتخابات ضمن سپاسگزاری از جمنا بر موقعیت مستقل و فراجناحی خود تأکید





شکل شماره ۱: آرایش انتخاباتی جریان‌های اصلی جناح اصول‌گرا (با توجه به اسامی تأیید صلاحیت‌شده توسط شورای نگهبان)، متحدها احتمالی و سمت و سوی اتحاد (پیکان‌های منقطع). جمعیت پیشرفت و عدالت یک حزب سیاسی نزدیک به محمدباقر قالیباف است.

انتخاباتی پیش‌رو پشتیبانی یکپارچه خود از دولت کنونی و جریان اعتدال را حفظ نماید. روندی که البته در جریان انتخابات شوراهای شهر لزوماً از این انسجام برخوردار نخواهد بود.

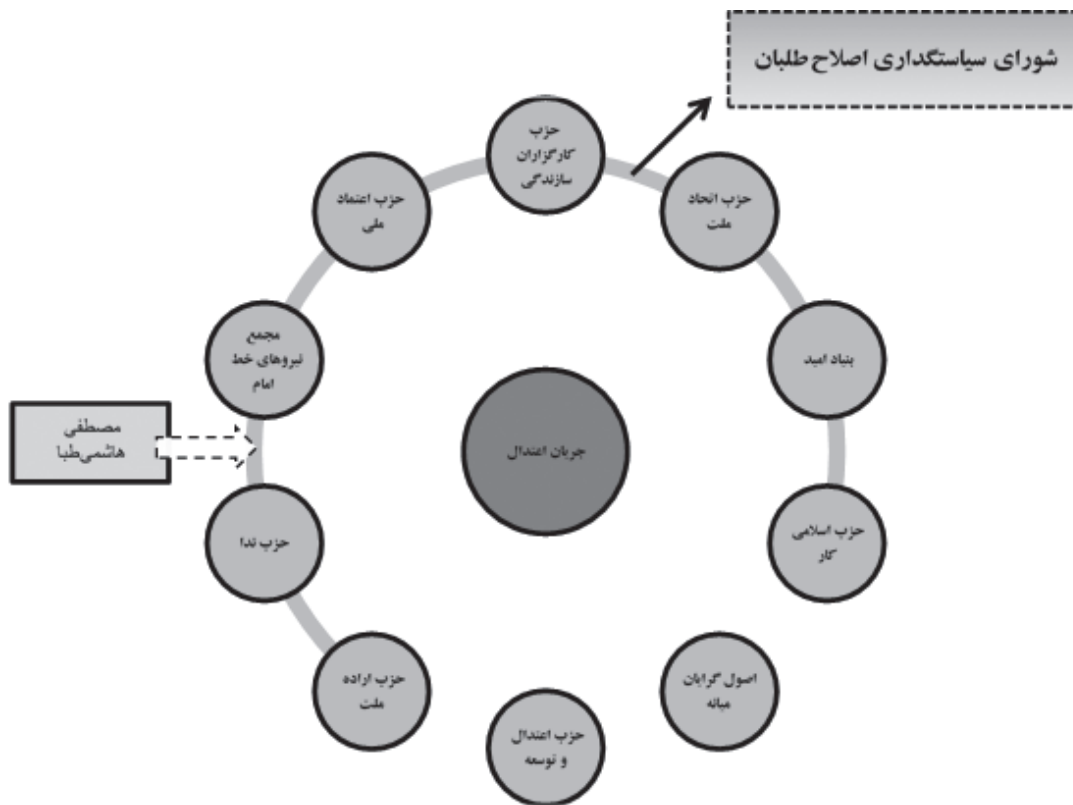
باتوجه به موارد یادشده، حسن روحانی کاندیدای مورد حمایت جناح اصلاح‌طلب در انتخابات ریاست جمهوری خواهد بود. حضور اسحاق جهانگیری، معاون اول حسن روحانی در دولت یازدهم، یک حضور تاکتیکی برای پشتیبانی از جریان اعتدال

در اردوی رقیب از مدت‌ها پیش مشخص بود که جریان اعتدال از چتر حمایتی جناح موسوم به اصلاح‌طلب برخوردار است و به مثابه انتخابات گذشته مجلس شورای اسلامی، نیروهای سیاسی اعتدالی و اصلاح‌طلب، به صورت یکپارچه در برابر جناح رقیب قرار خواهند گرفت. اگرچه پس از انتخابات مجلس، انتقادات و نارضایتی‌هایی از سوی برخی جریان‌ها و شخصیت‌های جناح اصلاح‌طلب نسبت به تقسیم‌بندی‌های و فرایندهای فراکسیونی درون مجلس وجود داشت و پس از آن نیز برخی عملکردهای سیاسی و اقتصادی مورد نقد قرار گرفت اما شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان که وظیفه هماهنگی و یکپارچه‌سازی کلیت جناح اصلاح‌طلب را بر عهده دارد، بار دیگر به این جمع‌بندی رسید که در رقابت‌های

جهانگیری در انتخابات، می‌توانست پوشش‌دهنده برخی حوادث غیر مترقبه نیز باشد.

احتمال اینکه مصطفی هاشمی‌طبا، به عنوان یک شخصیت سیاسی منتسب به جناح اصلاح‌طلب، به نفع حسن روحانی از صحنه انتخابات خارج شود، بسیار زیاد است به ویژه آنکه وی به تنهایی پتانسیل رقابت با جناح اصول‌گرا را نخواهد داشت و جناح اصلاح‌طلب نیز با توجه به آرایش سیاسی کنونی از وی حمایت نخواهد کرد. البته اتخاذ مواضع رادیکال از سوی وی (در صورت تصمیم به رقابت تا پایان فرایند انتخاباتی) می‌تواند به ریزش آرای جریان اعتدال کمک کند. شکل شماره ۲ آرایش سیاسی جناح اصلاح‌طلب حول محور جریان اعتدال و سمت و سوی اتحادهای احتمالی آن را نشان می‌دهد.

در جریان مناظرات انتخاباتی و همچنین به عنوان یک نامزد پوششی (ضربه گیر) خواهد بود. این تاکتیک بیشتر از این لحاظ مورد استفاده جریان اعتدال قرار گرفته است که برخی گمانه‌ها با طرح نظریه ائتلاف ابراهیم رئیسی و محمدباقر قالیباف (به این صورت که ابراهیم رئیسی کاندیدای اصلی جناح اصول‌گرا بوده و در صورت پیروزی در انتخابات، قالیباف را به عنوان معاون اول انتخاب کند) بر ایجاد یک ائتلاف متوازن‌کننده در جریان رقابت‌های انتخاباتی تأکید داشتند. همچنین ثبت نام اسحاق



شکل شماره ۲: آرایش سیاسی جناح اصلاح‌طلب و نیروهای سیاسی متحد حول جریان اعتدال و با محوریت شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان. نیروهای واگرا (سمت راست خط عمودی)، متحدان احتمالی و سمت و سوی اتحاد (پیکان‌های منقطع).

انتخاباتی نهفته است. سوابق انتخابات گذشته ریاست جمهوری از مشارکت پرنوسان اما مطلوب مردم در این انتخابات حکایت دارد (نمودار شماره یک). تداوم این روند نیازمند شناسایی مناسب نیازها و خواسته‌های جامعه و سیاست‌ورزی برمدار آنهاست. از این طریق است که قابلیت‌های امنیت‌بخش انتخابات در ایجاد مشروعیت، افزایش ظرفیت سیاسی و هم‌سازی با تغییرات محیطی محقق می‌شود.

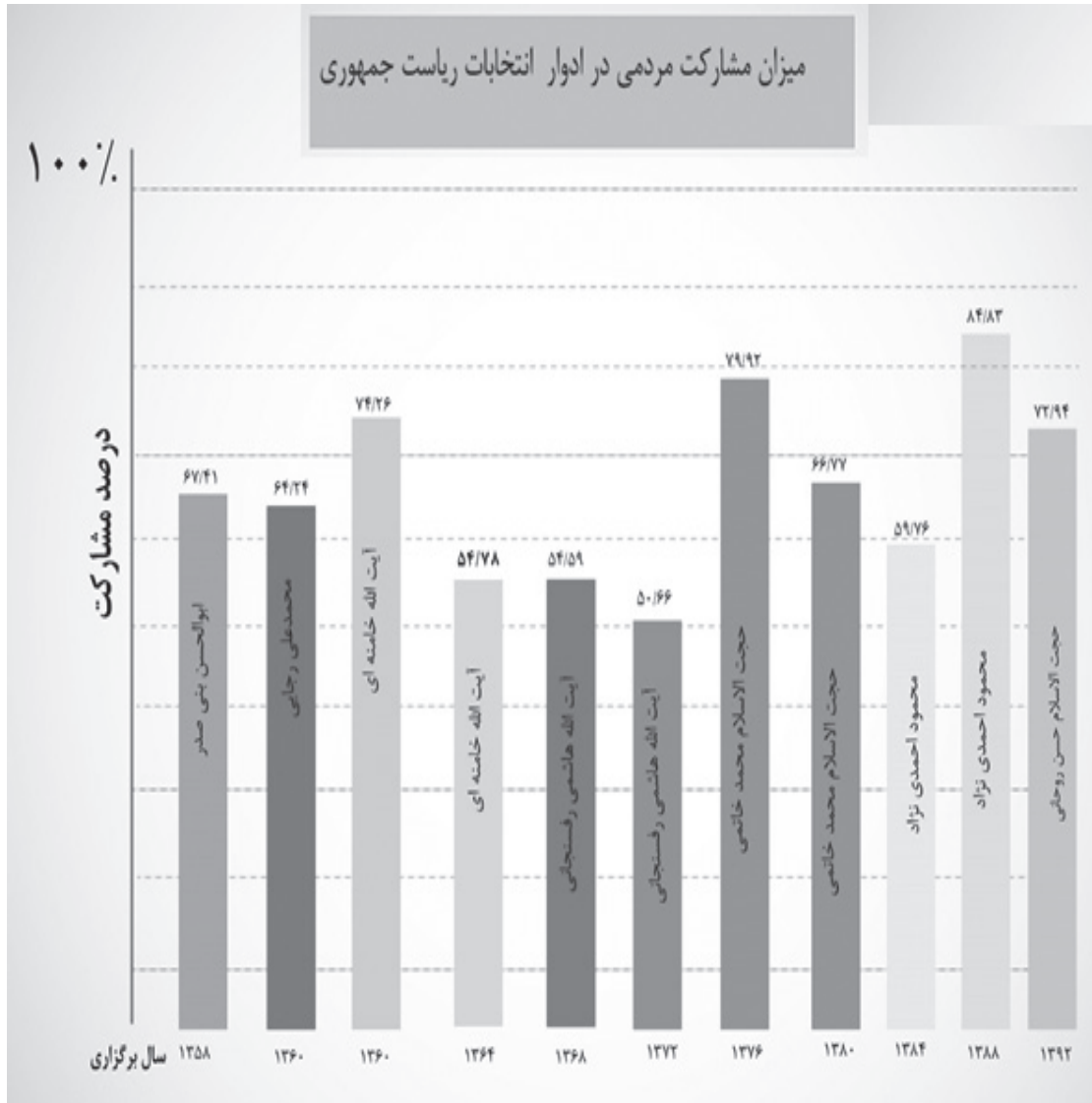
بایسته‌های راهبردی انتخابات ریاست جمهوری از چشم‌انداز امنیت ملی

از منظر امنیت ملی، فرایند انتخاباتی علاوه بر تضمین شرایط مطلوب (آزادبودن، رقابتی‌بودن، عادلانه‌بودن و جز آن) باید از ویژگی‌های متعددی برخوردار باشد تا ضمن انجام کارویژه‌های خود (گردش‌نخبگان به شیوه مسالمت‌آمیز و انتخاب شایسته‌ترین‌ها)، آرامش و ثبات سیاسی و اجتماعی را حفظ کرده و در جهت افزایش ضریب امنیت ملی حرکت کند. با توجه به شرایط سیاسی کنونی و با لحاظ سوابق تاریخی در این زمینه، ضرورت راهبردی چندی قابل شناسایی هستند که تمکین به آرای عمومی، پرهیز از قطبی‌ساختن انتخابات (قطبی‌شدگی منفی)، بهره‌گیری از لوازم ایجابی رقابت، ایجاد امکان رقابت عادلانه به‌ویژه در بهره‌مندی از امکانات حکومتی، اجتناب از انگیزش هیجان‌های قومی و مذهبی و دوری‌جستن از وعده‌های پوپولیستی، از مهم‌ترین آنها به‌شمار می‌روند.

در خصوص آرایش سیاسی نهایی در آستانه روز برگزاری انتخابات همچنان باید به موضوع تاکتیک‌های انتخاباتی جریان‌های سیاسی (تا لحظه تثبیت فضای رقابتی در آستانه آغاز فرایند اخذ آراء) توجه داشت. این تاکتیک‌ها در چند قالب اصلی دنبال می‌شوند. ۱. شکستن آرای رقیب ۲. بهره‌گیری از نامزدهای سایه برای مواجهه با اتفاقات کمتر قابل پیش‌بینی ۳. حضور نامزدهای پشتیبان در جریان مناظرات انتخاباتی ۴. اتخاذ تاکتیک‌های لحظه آخر. این راهبردهای انتخاباتی می‌توانند موجب ایجاد نوعی آرایش تصنعی در صحنه رقابت‌ها شوند و آرایش اصلی پس از پایان کارکرد تاکتیک‌های انتخاباتی و در آستانه حضور مردم در پای صندوق‌های آراء خود را نشان دهد.

تمکین به آرای عمومی، پرهیز از
قطبی‌ساختن انتخابات بهره‌گیری از لوازم
ایجابی رقابت، ایجاد امکان رقابت عادلانه
به‌ویژه در بهره‌مندی از امکانات حکومتی،
اجتناب از انگیزش هیجان‌های قومی
و مذهبی و دوری‌جستن از وعده‌های
پوپولیستی، ضرورت‌های راهبردی در
فضای رقابتی این دوره از انتخابات هستند.

آرایش نیروهای سیاسی را نمی‌توان فارغ از جهت‌گیری‌های اقشار و طبقات اجتماعی مدنظر قرار داد. ساخت و نحوه صف‌آرایی انتخاباتی گروه‌های سیاسی از هر چیدمانی که برخوردار باشد، مشارکت نیروهای اجتماعی مستقر در قاعده هرم اجتماعی در اولویت بوده و معنا و مفهوم راستین انتخابات را تحقق می‌بخشد. نقش مشروعیت‌بخش مشارکت سیاسی به عنوان یکی از الزامات امنیت ملی، در شیوه و چگونگی رویکرد این نیروها به سازوکار



عنوان نهادی که قابلیت تحقق خواست مردم را به شیوه مسالمت آمیز فراهم می‌کند، از این زاویه، اهمیتی امنیتی پیدا می‌کند. انتخابات در حقیقت سازوکار بدیلی برای بیان خشونت آمیز تقاضاهای سیاسی و اجتماعی است که می‌توانند در شکل اعتصاب، اغتشاش، شورش و آشوب‌های اجتماعی ظاهر شوند. آشکار است که اگر جامعه توانایی تحقق خواست‌های خود از طریق فرایند دموکراتیک را نداشته باشد به سمت گزینه‌های جایگزین سازوکارهای انتخاباتی روی خواهد آورد. بنابراین هم‌گامی مشارکت کنندگان در انتخابات

پاسداشت مطالبات جامعه از طریق آرای عمومی: یکی از وجوهی که به واژه «ملی» در مفهوم «امنیت ملی» قالبی انضمامی می‌دهد، تدوین خط‌مشی‌ها و راهبردهای امنیت ملی بر پایه تهدیدها و مخاطرات متوجه مردم است. از این روست که توجه به خواست جامعه، عنصری محوری در این زمینه است. انتخابات به



(انتخاب کنندگان، انتخاب‌شوندگان و نهادهای واسط) در رعایت قواعد دموکراتیک، مهم‌ترین مؤلفه در حفظ ثبات و امنیت جامعه است.

رقابت ایجابی و پرهیز از قطبی‌شدگی منفی:

انتخابات بر پایه رقابت و صف‌آرایی گروه‌های رقیب بنا شده است لذا میل یک جامعه انتخاباتی به فضای دوقطبی و یا چندقطبی نه تنها منطبق با سرشت انتخابات است بلکه عامل محرک و پیش‌برنده آن به شمار می‌رود. با وجود این، تصلب فضای قطبی‌شده و سمت‌گیری آن به سوی نفی و حذف رقیب، به شیوه‌ای پارادوکسیکال، سازوکار انتخاباتی را از محتوای اصلی خود خالی کرده و تمایلات انحصارگرایانه را جایگزین سرشت رقابتی آن می‌سازد. مقصود اصلی رقابت، گردش‌نخبگان، گزینش شایستگان، شکل‌گیری تضارب آرا، نشر آگاهی، پویایی جامعه و ترقی روندهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی است. بر آوردن چنین مقصودی با نفی و تخریب رقیب و تمرکز بر انگاره‌های سلبی سازگاری چندانی ندارد. تنها از طریق بهره‌گیری از شیوه‌های ایجابی، شناسایی کاستی‌ها، برآورد فرصت‌ها و ارائه برنامه‌ها و راهکارهای مناسب در خصوص آن‌هاست که رقیبان انتخاباتی قابلیت سازوکار انتخاباتی برای بروز کارکردهای مثبت خود را افزایش می‌دهند.

رویکرد نامزدهای انتخاباتی بر رقابت ایجابی که مبتنی بر شناسایی مسائل و مشکلات جامعه و ارائه راهکارهای قابل اجرا برای رفع مشکلات است، ضمن افزایش آگاهی و قدرت تشخیص جامعه، آرامش فضای انتخابات را نیز تضمین می‌کند. تأکید بر جنبه‌های سلبی رقابتی، پیامدهای امنیتی متعددی را به همراه دارد از جمله اینکه می‌تواند در کاهش اقبال عمومی به انتخابات، مؤثر و از این رو متضمن تهدیدهای امنیتی باشد. ضمن آنکه تقابل سلبی، آستانه تحمل سیاسی را کاهش داده و جامعه را مستعد ایجاد تنش می‌سازد. در این حالت تمامی مراحل انتخاباتی (مراحل تبلیغی، رأی‌گیری و اعلام نتایج) تحت تأثیر این فضای تنش‌آلود قرار گرفته و زمینه‌ساز بی‌ثباتی خواهند بود. تقابل سلبی همچنین می‌تواند دستاویزی برای رسانه‌ها و جریان‌های بیگانه باشد تا از این طریق به القای نظریه‌های خود به جامعه پردازند. برگزیدن روش‌های ایجابی از سوی نامزدها، احترام به قدرت ادراکی اقلشار اجتماعی و حق انتخاب مردم است

و بیانگر درایت مدیریتی کاندیدها و مسئولیت‌پذیری آن‌ها در قبال حفظ ثبات جامعه است.

از دیگر موارد قابل طرح در حوزه رقابت ایجابی، آسیب‌ها با منشأ حقوقی است که در اشکال گوناگونی چون تهمت‌پراکنی در سطح جامعه و یا در فضای مجازی و غیره صورت می‌پذیرد. این گونه رفتارهای جرم‌گونه، سلامت روانی انتخابات را مورد خدشه قرار داده، آثار سوء بر اذهان عمومی برجای می‌گذارند که پیامد آن بی‌اعتمادی به فرایندهای دموکراتیک و کاستن نقش امنیت‌ساز این فرایندها است.

عدالت تبلیغاتی و رسانه‌ای: عدالت

تبلیغاتی از دیگر الزامات راهبردی انتخابات است که در فرایندهای ایجاد آگاهی در جامعه و کیفیت مشارکت مردمی سهم مؤثری بر عهده دارد. به لحاظ انتخاباتی این امر دارای دو جنبه حائز اهمیت است: یکی، برخورداری عادلانه از امکانات حکومتی و فرصت‌های رسانه‌ای عمومی؛ و دیگری، شفافیت مالی شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی رقیب. در این عرصه نگرانی جریان‌های مرتبط با هر دو جناح اصول‌گرا و اصلاح‌طلب به چشم می‌خورد. سیاست‌ورزان اصلاح‌طلب از جهت‌گیری‌های جناحی برخی رسانه‌ها که برد تبلیغاتی سراسری دارند، نگرانند و اصول‌گرایان از احتمال اعمال نفوذ مقام‌های اجرایی به نفع جریان‌های خاص ابراز نگرانی می‌کنند اما از منظر امنیتی تأثیر این امر بر کیفیت انتخابات و چگونگی گردش‌نخبگان است که اهمیت می‌یابد. سازوکار انتخاباتی کارآمد بدون

افراد شایسته و متخصص را تحت تأثیر قرار دهند، از موارد دیگری است که باید مورد ملاحظه قرار گیرد. در صورت وقوع هر گونه سناریویی، آنچه که اهمیت دارد آن است که تنش‌های انتخاباتی از حدود خاصی فراتر نرفته و از محدوده‌های امنیتی خارج نشوند. یکی از مؤلفه‌هایی که این محدوده را تهدید می‌کند، تکیه بر جنبه‌های قوم‌گرایانه در رقابت‌های انتخاباتی است. اگرچه تمامی اقوام ایرانی با هویت ایرانی خویش پیوندهای ناگسستنی دارند اما شکاف‌های قومی همواره از ظرفیت تبدیل شدن به شکاف‌های فعال و ایجاد معضلات امنیتی برخوردارند. نمونه‌هایی از این دست صف‌بندی‌ها و تأکیدات در دوره‌های گذشته، انتخابات مجلس و حتی در انتخابات ریاست جمهوری نیز سابقه داشته و اسباب ایجاد معضلات امنیتی را فراهم کرده‌اند. از آنجا که اقداماتی این چنینی قابلیت تکرار در دوره‌های آتی را نیز دارند، آگاه‌بودن کاندیداهای تمامی مناصب سیاسی (ریاست جمهوری، شوراهای شهری و غیره) نسبت به این مسئله و پرهیز از دامن‌زدن به اختلافات قومی، از نکات درخور توجه است که به ویژه در صورت قطعی‌شدگی انتخابات در سطوح محلی (مانند حوزه‌های انتخاباتی دارای پراکنش‌های قومی گوناگون) و ملی حائز اهمیت است و تبعات امنیتی پایداری را بر جای می‌گذارد. تأکید بر مؤلفه‌های قومی و یا مذهبی، بازی در زمین بازیگران و رای‌مرزها است که درصدد بهره‌گیری از تنش‌های قومی و مذهبی برای دستیابی به اهداف راهبردی خود هستند. این موضوع به ویژه با توجه به تحولات برخی کشورهای منطقه برای تشویق فعالیت گروه‌های تروریستی و ورود دوباره برخی از این گروه‌ها به فاز مسلحانه اهمیت بیش از پیش می‌یابد.

احتراز از وعده‌های پوپولیستی: شیوه‌های انتخاب کاندیدها توسط رأی‌دهندگان که در برخی موارد از مسیرهای منطقی و عقلانی خارج شده و به سمت منش‌های عوام‌پسندانه میل می‌کند از جمله آسیب‌هایی است که شایسته مذاقه است. با توجه به تجربه‌های پیشین، یک تهدید امنیتی را باید از جانب بهره‌گیری کاندیداهای ریاست جمهوری از شیوه‌های پوپولیستی برای جلب آرای برخی اقشار اجتماعی دانست؛ به ویژه هنگامی که این شیوه‌ها در قالب وعده‌های اقتصادی ارائه می‌شوند. انتشار این وعده‌ها، چه از نوع چپ‌گرایانه و چه با خصلت راست‌روانه‌شان، انعکاس

وجود شهروند صاحب دانش و اطلاع کافی، امکان‌پذیر نیست. اگر شهروندان فاقد اطلاعات و دانش لازم باشند وظیفه انتخاب‌کنندگی خود را به نحو شایسته ایفا نمی‌کنند و آن‌گاه نهادهای انتخاباتی برآمده از انتخاب آنها نیز کارکردهای خود را به نحو شایسته بروز نخواهند داد. جریان صحیح و عادلانه اطلاعات نه تنها می‌تواند این نقیصه را از میان بردارد بلکه فرایندی است برای نظارت جامعه بر انحرافات احتمالی مجریان سیاسی. از این زاویه است که برقراری عدالت تبلیغاتی و رسانه‌ای پاسخی به مقتضیات امنیت ملی خواهد بود چراکه حاکمیت مقتدر، کارا و با ثبات، دستورالعمل انتخاب آگاهانه شهروندان است و از همین زاویه است که سازوکار انتخابی، مورد توجه سیاست‌گذاران نظام سیاسی بوده و بر اهمیت آن تأکید فراوان شده است.

فرایندهای مالی مرتبط با انتخابات نیز از تأثیر مشابهی برخوردارند. از همین روست که عدم شفافیت هزینه‌های انتخاباتی، چه از نظر منشأ این هزینه‌ها و چه از نظر شیوه هزینه‌کرد، بایستی با حساسیت هرچه بیشتر نظارت شوند. ورود احتمالی منابع مالی غیر قانونی به فرایند انتخابات، سلامت انتخابات را تهدید کرده و آثار زیان‌باری بر کارایی سیستم انتخاباتی و کارکردهای مورد انتظار از آن برجای می‌گذارد.

پرهیز از تحریک قومی و مذهبی: عدم تکامل فرایند ملت‌سازی که به صورت گرایش‌های قومی-طایفه‌ای، امنیت انتخاباتی را مورد تهدید قرار می‌دهند و حتی ممکن است انتخاب



به شرایط سیاسی کنونی و با لحاظ سوابق تاریخی در این زمینه، ضرورت راهبردی چندی قابل شناسایی هستند که تمکین به آرای عمومی، پرهیز از رفتارهای منتهی به قطبی ساختن انتخابات (قطبی شدگی منفی)، بهره‌گیری از لوازم ایجابی رقابت، ایجاد امکان رقابت عادلانه (به‌ویژه در بهره‌مندی از امکانات حکومتی)، اجتناب از انگیزش هیجان‌های قومی-مذهبی و دوری‌جستن از وعده‌های پوپولیستی، از مهم‌ترین آنها به‌شمار می‌روند.

خوشایندی در میان اقشار آسیب‌پذیر دارند و این اقشار را با رؤیای رنجی کمتر به سوی خود جلب می‌کنند. فارغ از اینکه تحقق این وعده‌ها چه بار توان‌فرسایی را بر عرصه‌های سیاسی و اقتصادی تحمیل می‌کنند و چه آثار زیان‌بار تورمی و غیر تورمی از خود برجای خواهند گذاشت (آثاری که در وهله اول دستاورد خود این اقشار را با توانی چندبرابر مستهلک خواهد کرد)؛ تبعات گران‌بار تحقق این وعده‌ها، ظرفیت‌ها و رفاه اقتصادی جامعه و در پی آن بنیان‌های مشروعیت سیاسی (یعنی دو مؤلفه اصلی امنیت ملی) را هدف قرار داده و پیامدهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی دامنه‌داری خواهند داشت که توان جامعه را برای دوره‌ای بلند مدت تحلیل خواهند برد. از این رو ظهور پوپولیسم انتخاباتی، چه در وجه فردی آن و چه در صورت بروز در قالب گفتمان‌های رقیب، تهدیدی جدی و محتمل‌الوقوع است که نامزدهای رقیب باید از توسل به آن بر حذر باشند.

نتیجه‌گیری

با توجه به آرایش انتخاباتی نیروهای سیاسی، این گمانه قابل طرح است که انتخابات ریاست جمهوری پیش‌رو در ایران در فضایی قطبی‌شده برگزار شود. اگرچه قطبی‌شدگی، منطبق با سرشت رقابت‌های انتخاباتی است اما تصلب فضای قطبی‌شده و سمت‌گیری آن به سوی نفی و حذف رقیب، سازوکار انتخاباتی را (به‌شیوه‌ای پارادوکسیکال) از محتوای اصلی خود خالی کرده و تمایلات انحصار‌گرایانه را جایگزین سرشت رقابتی آن می‌سازد. این امر همچنین می‌تواند تهدیدهای گوناگونی را متوجه امنیت ملی سازد زیرا در شرایط قطبی‌شدگی منفی سازوکار انتخاباتی قابلیت انجام کارویژه‌های ذاتی خود یعنی ایجاد امکان گردش‌نخبگان به شیوه مسالمت‌آمیز و آرام، گزینش‌نخبگان شایسته و سازگاری با تغییرات محیطی (داخلی و خارجی) را نخواهد داشت و اگر این قابلیت‌های اساسی از سازوکار انتخاباتی دریغ شود، نمی‌تواند در جهت اهداف امنیت‌ساز خود (ایجاد مشروعیت، تقویت انسجام اجتماعی و ارتقای ظرفیت سیاسی) حرکت کند. برای احتراز از این تهدیدها بازیگران عرصه انتخابات (نامزدهای رقیب، احزاب و گروه‌های سیاسی، نهادهای نقش‌آفرین در انتخابات و اقشار اجتماعی مشارکت‌کننده) مسئولیت و نقش به‌سزایی بر عهده دارند. با توجه

